

ترجمه از روزنامه (تیمس) عربی

نقلی از روزنامه ترجمان شهیر و شرحی در بزرگی امیر بخارا نگاشته شده است و خلاصه و مفاد آن این است امیر بخارا عبدالاحد خان چنانکه در تواریخ جلیله روسیه نگاشته‌اند وجودی بلند قدر است و در حسن آرای روسیه از برای او صاحب است و عبدالاحد خان مذکور پنجم پسر مرحوم مظفرالدین خان است و در سال هزار و هشتصد و هشتاد و پنج مسیحی بر تخت حکومت بخارا جلوس.

جلوس کرد در حالی که سه نفر از برادران او وفات
کرده بودند برادر چهارم او بهمراهی بعضی از بلاد ایشان
متمرد شده به پشتیبانی جماعت خارجه انگلیس
اعتماد کرده بر پدر خود مظفرالدین خان شورید و محاربه
کرد قشون روسی بحمایت پدرش داخل مملکت
شد او را بفرار مجبور کردند و بمملکت خیوه و از آنجا
بهندوستان رفت و کنون در آنجا بقیه عمر در شهر
پیش در وظیفه خور دولت انگلیس است
در سنه هزار و هشتصد و شصت و دو مسیحی مظفرالدین خان
این پسر خود عبدالاحد خان را ولیعهد خود کرد

و او را در مجلس تاج گذاری امپراطور روسیه فرستاد
دولت روسیه در آن سنه بولیعهدی عبدالاحد خان
امضا و اعتراف نمود از آنکه در او رسمی و مکارم اخلاق
دید و او بخارا را عودت نمود و در سنه هزار و هشتصد و
هشتاد و پنج مسیحی بمجرد اینکه بسریر حکومت بالا
رفت بمملکت اصلاح و ترتیب امور پرداخت
و کارهای خوب توفیق یافت اولاً غلامان
و بندگان را آزاد ساخت و اسیری را منع کرد و بنده گرفتن را
در مملکت خود نهی نمود و عساکر را تا سیزده هزار نفر
قرار داد و زندانهای تو خشت را از میان برد
و بعد از

و عذاب متهمین را قطع کرد و راه عدالت پیمود
و او همیشه تاکنون عقوبت کشتن را تبدیل بمجازات
دیگر میکند و هیچ شک نیست در او در سزاوار
و مخلص روسیه است و امپراطور را مثل پدر ثانی
میداند و شهرهای روسیه را مانند وطن خود
میشمارد و او سی و پنج سال دارد، با هیبت
نظر و جلالت مخبر است و حریص بر اتفاقات
مفیده است در آبها بیرون آرد و صحراهای
خشک و خالی را از زرع و سیراب زد بمصارفه
مهندسین مقرر آنرا البته معمول ساخته اند

و بحیره الاحد فان در این اوقات ارجمندتر بودن

دارای درجه اولای ارزش از حیث نشان بهدف،

و عقب تغییر است و در مواقع آنها را با ایشان

تاره انجا را انجو دیا وزند در قلمی ایشان بزرگ

(نجمه بنی را) مرجع بالماس است انتهی

بعد از این شرح خود روزنامه میگوید در استقلال

و عظمت این بنی را بواسطه خوش سلوکی و درست

رفتاری او است بخصوص با دولت روسیه نجیبه

انگلیس این بنی را از چهار طرف محصور و محاط ممالک

روسیه است و با قدرت و بانی دولت روسیه این بنی را

نیست

با حار

ناچار از حسن معاشرت با آنها است و تعجب ما
در این است که عموم اهل اروپ با فرنگیها و اسرائیل
ازدواج میکنند و در آن بنا با نجابت آب رحمها
میکنند که اولاً از آنجا فایده مالی برند و ضمن ثمر
تمدنی به هند در حضرت رحیل آنها عجب اکرو
فایده است چه ثانیاً برای آنها است که در تمدن
ملی را اشتراک میکنند و در لیکن عهد تاریخی با آنها
اقدام نمی‌نمایند و با آن ملکت کمی را منفر شمند و در بعض
امور آنجا بد اقدام نمی‌نمایند در حالی که اگر چنین کارها را
اقدام نمایند فوایدی میبرند که کمترین منافع آن

حفظ استقلال آینده خودشان است که در امور

سیاسی با دولت روس تقابل بهرا بکنند و از این

کار فوایدی ببرند که قوی‌تر از تجارت است

لکن باید یک مانع بزرگی برای دول اروپ باشد

که اقدام بر بردن این مانع کرده و نفوذ در بخارا را

پیش قدم نشوند آری با نعرهٔ شیر از برای کسی

قراری نمی‌ماند (لکن تا از اقتدار روسیه است در بخارا)

پس وقتی که احتیاط و حذر از دول اروپ را از

دولت روسیه بدانیم باید از عظمت و بزرگی امیر بخارا

عبدالاحدخان رو پنهان کنیم که با اقتدار روس زبانی ملت فایت

فرنگار

خبرنگار روزنامهٔ پطرزبورغ در شهر پکن است

بنا بر آن روزنامه خبر داده است دولت چین

از کشیدن خطوط راه آهن بدوا امتناع داشت

و در اثنا از آن ملاحظه خطر میکرد لکن از قراری دیده است

دولت روسیه بکشیدن راه آهن تا سبیر

در سرحدات چین استقامت دارد و هم سرلی نموده است

روسیه مشغول شده است و از داخله مملکت فغفوری

خود راه آهن کشیده بسرحدات رسانیده و تا سنهٔ

هزار و نهصد و نود و شش مسیحی باید منتظم شده این خطوط

راه آهن دولت مذکوره بکیرد تدارکی کنند

رجیح این است که تا زود پنج این کار را به بهار رسد

حرکات که اول اجنبیه دولت چین را مجبور میکند

که با آنها در اینگونه امور هم چشمی و رقابت کند و از سکون

آنهمه مدت مدیده بحرکت آید

در روزنامهای ترکستان دیده شده است که حکومت

آنجا قرار گذاشته‌اند راه آهنی دلهم است که بین سمرقند

و شهر تاشکند وقوع یابد و از برای تحقیق و انجام این

مهندسین چندی روانه داشته است و در اول پائیز

اینکار شروع خواهد شد

حکومت امپراطوری روس بر کشتی‌جات عقب هوران

ادن

اذن داده است که مبلغ نقدینه جمع کنند و از برای
بنای عدالت تهیه دیوانی باشد و از ممالک خودشان
به مرکز مهاجرت میکنند
حکومت روسیه قرار داده است که از راه آهن
عمومی قفقاز چند رشته راه آهن بشهر اریوان
و آقشهر و دیگر بکشند و از باکو هم خط آهن
بطهران و فکی ممتد سازند
حکومت روسیه اعلان کرده است که از اهل روس
جماعتی در میان ترکمان ساکن شوند و املاک را از قواعد
روسیه است که رعایای جنس مملکت اصلی خود را

با اتباع اجنبیه که در تحت حکومت و تبعیت او

درآمده اند محفوظ کنند و در معاملات و اخلاق

ممزوجشان نماید که اهالی را رغبت درآورد

و با یکدیگر بدوششان آرد

در تاریخ ۶ ماه حالیه لایحه از تفلیس به مجلس حفظ الصحه

بحریه در قرانتین ها رسیده است که عدد اموات

وبائیه را اینطور شمرده است

روز دوازدهم سپتمبر در باکو نود و هشت نفر مرده است

در داغستان ۲۲۴ در زاکتول ۱۱۴ در کرتال

که الغیر نفر در کاربول ۵۵ در تفلیس ۱۰ نفر

در ایروان

در اریوان ۵۲۱ از دهم ماه تا دوازدهم هزار و
هفتصد و نود و دو نفر وفات کرده است و در روز
سیزدهم همان ماه عدد اموات در باکو پنجاه و هشت
و در زاقتال صد و سی و یک و در داغستان
دویست و چهل و در زنگتال دوازده نفر و در شهر
اریوان صد و سی و هشت نفر بوده است
و در چهاردهم ماه پنجاه و چهار نفر در باکو و صد و چهارده
نفر در زاقتال و سیصد و هشتاد و شش نفر در داغستان
و چهارده نفر در زنگتال و چهل و شش نفر در شهر
تفلیس وفات کرده است

و در یازدهم ماه دویست و بیست و دو نفر در باکو
و سی و یک نفر در زاقتول و سبعه و پنج نفر در داغستان
و دویست و سی و شش نفر در اریوان وفات کرده‌اند
و در شانزدهم ماه بیست و یک نفر در باکو و بیست و
چهار نفر در زاقتول و دویست و هشت و دو سه نفر
در داغستان و دویست و چهل و پنج نفر در آستردول
و صد و سی و یک نفر در تفلیس مرحوم و رحلت کرده‌اند
حکومت قفقاز اجازه داده است که مسلمین
اموات وبائیه خود را بدون سوزاندن دفن
نمایند بشرط آنکه آنها را در مقابر غسل بدهند و عمق
قبور

قبور آنها کمتر از پنج ذرع نباشد در روزنامه حاجی ترخان

نقل شده است که حکومت بعد از دفن اموات

امر کرده است که تابوتهای اموات را بیرون اندازند

و اداره بلدیه مأمور و مکلف باین کار است

رؤسای ملت اسلامیه در شهر همبرغ از حکومت

خواهش کرده اند که اموات خود را غسل بدهند و بشرط

مذکور دفن نمایند و ممانعتی حاصل نگردد حکومت قبول این

معنی را کرده است و لکن این اجازه در ولایت قریم

حاصل نشود کمی از احکام مسلمین باشد

١٣١٠

ترجمه آقای جان نثاران غلامین مترجم شهر پیغ آلمانی

